

Influential Educational Methods on the Domain of Thought in Islamic Verses and Narrations

Abolghasem Zahedian Tejenaki¹, Hossein Mardanpour²

¹ Level 3 student, Missionary Teacher Training Center, Qom, Iran (**Corresponding author**).
ghasemzahedian@yahoo.com

² Level 3 Student, Qom Seminary, Qom, Iran. husseinmardnpour@gmail.com

Abstract

The objective of the present research is to identify and elucidate the educational methods that influence the domain of thought as presented in Islamic verses and narrations. The main issue of the research is to extract and explain the methods that can impact human thought and provide the groundwork for his intellectual, behavioral, and emotional growth. The hypothesis of the research posits that verses and narrations directly or indirectly offer diverse and effective strategies for influencing human thought, which contribute to his intellectual and moral education. The research methodology is descriptive-analytical, and the results indicate that employing these methods not only paves the way for the intellectual guidance of individuals but also fosters the flourishing of talents and strengthens the ability for conscious choice. The proper application of these methods can significantly assist educators and preachers in the educational and promotional domains, and 22 effective educational methods that impact the domain of thought have been extracted from religious sources, among which the most important include: sensory observation, experiential learning, reflection and contemplation, reasoning and argumentation, debate, analogy, reminder and recollection, intellectual vaccination, critique and examination, comparison and preference, modeling, and practical instruction. These methods are designed based on the inherent and rational characteristics of human beings.

Keywords: Education, Thought and Reasoning.

Received: 2024/01/19 ; **Revision:** 2024/03/16 ; **Accepted:** 2024/04/20 ; **Published online:** 2024/06/30

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries
<https://tarbiatmotali.ismc.ir/>

Article type: Research Article
© the authors



روش‌های تربیتی تأثیرگذار بر ساحت اندیشه در آیات و روایات

ابوالقاسم زاهدیان تجنکی^۱، حسین مردان‌پور^۲

^۱ طلبه سطح سه، مرکز تربیت معلم حوزه‌های علمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول). ghasemzahedian@yahoo.com

^۲ طلبه سطح سه، حوزه علمیه قم، قم، ایران. husseinmardnpour@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و تبیین روش‌های تربیتی تأثیرگذار بر ساحت اندیشه در آیات و روایات اسلامی بوده است. مسئله اصلی پژوهش، استخراج و تبیین شیوه‌هایی است که می‌توانند بر اندیشه انسان تأثیر بگذارند و زمینه‌ساز رشد فکری، رفتاری و احساسی او شوند. فرضیه پژوهش این است که آیات و روایات به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، راهکارهای متنوع و کارآمدی را برای تأثیرگذاری بر اندیشه انسان ارائه می‌دهند که به تربیت فکری و اخلاقی او کمک می‌کنند. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان می‌دهد که بهره‌گیری از این روش‌ها، نه‌تنها زمینه‌ساز هدایت فکری انسان است، بلکه به شکوفایی استعدادها و تقویت قدرت انتخاب آگاهانه کمک می‌کند. کاربست صحیح این روش‌ها می‌تواند در عرصه‌های تربیتی و تبلیغی به مربیان و مبلغان کمک شایانی نماید و برای نیل به این مهم ۲۲ روش تربیتی مؤثر بر ساحت اندیشه در منابع دینی استخراج شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: مشاهده حسی، تجربه کردن، تفکر و تعقل، استدلال و برهان، جدل، تمثیل، تذکر و یادآوری، واکسینه‌سازی فکری، نقد و بررسی، مقایسه و ترجیح، الگودهی، و آموزش عملی. این روش‌ها براساس ویژگی‌های فطری و عقلانی انسان طراحی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تعلیم و تربیت، تفکر و تعقل.

۱. مقدمه

یکی از اهداف و بنیان‌های اصلی و اساسی رسالت انبیاء و امامان معصوم(ع)، تعلیم، تربیت و تزکیه انسان به‌عنوان برترین مخلوق می‌باشد. انسان، موجودی با ابعاد و ساحت‌های گوناگون و بهره‌مند از توانایی، بینش و گرایش‌های مختلف می‌باشد؛ که همواره در تعامل و ارتباط با جهان اطراف خویش است و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابلی با آن دارد. تربیت، از نعمات و الطاف الهی به بشر می‌باشد که به‌معنای تأثیرگذاری مطبوع و دلخواه بر ساحت‌های انسان در ابعاد مختلف، یعنی شکوفا کردن، اصلاح، تعدیل، تقویت و هدایت آنها است. این امر حیاتی، بدون شناخت ساحت‌های مختلف انسان و شیوه‌هایی که بتواند بر آن ساحت‌ها تأثیر بگذارد، میسر نیست. نوشتار حاضر تلاش می‌کند با مراجعه به آیات و روایات اهل‌بیت(ع)، به بررسی، توضیح و تبیین روش‌هایی پردازد که می‌توان با کمک آنها بر ساحت اندیشه تأثیر گذاشت.

۲. پیشینه تحقیق

بررسی و استقراء به‌عمل آمده در آثار و مجموعه‌های علمی-پژوهشی درباره موضوع این پژوهش نشان داد کتب و مقالاتی تدوین شده‌اند که در آنها به موضوع نوشتار حاضر پرداخته شده است. با توجه به تحقیقی که در منابع موجود انجام شده در مورد موضوع مورد نظر سه گروه کتاب وجود دارد:

گروه اول: کتاب‌های تبلیغی اعم از روش تبلیغ، فن بیان، روانشناسی، تبلیغات و... در این کتاب‌ها، روش‌های کلی تبلیغ و روش‌های ارائه محتوا بیان شده است، اما این روش‌ها براساس ساحت‌های مختلف بیان نشده‌اند.

گروه دوم: در برخی منابع تربیتی اعم از مبانی، اصول و یا روانشناسی تربیتی به ساحت‌ها و ویژگی آنها اشاره شده است. در بعضی نیز به‌طور اجمالی، روش‌های تأثیرگذاری بر ساحت‌ها بیان شده؛ اما به‌طور جداگانه و مفصل، پیرامون روش‌های تأثیرگذاری بر ساحت‌ها مطلبی نیامده است.

گروه سوم: در کتاب‌های روانشناسی اعم از روانشناسی عمومی، روانشناسی رشد و روانشناسی اجتماعی، به ساحت‌ها و ویژگی‌های آن اشاره شده است. در برخی موارد، به روش‌های تأثیرگذاری نیز اشاراتی شده که در مواردی کاربردی و عملیاتی است، در عرصه تبلیغ کارایی دارد و به مبلّغ و مربی کمک می‌کند که در عرصه تبلیغ و تربیت کارآمدتر باشد؛ لیکن پاسخگوی تمام نیازهای یک مربی و مبلّغ در عرصه تبلیغ و تربیت نیست.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، به شیوه «کتابخانه‌ای» بوده و با رویکرد «توصیفی-تحلیلی» انجام شده است.

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و تبیین روش‌های تربیتی تأثیرگذار بر ساحت اندیشه براساس منابع قرآنی و روایات اهل بیت (ع) بوده است. در این راستا، از منابع معتبر قرآنی، احادیث معصومین و کتب علمی تربیتی بهره گرفته شده است. در گام نخست، متون و منابع مرتبط با موضوع تحقیق، گردآوری شد. این منابع شامل قرآن کریم، روایات معصومین (ع)، تفاسیر معتبر قرآنی و نیز کتب و مقالات علمی در حوزه تربیت اسلامی و روانشناسی بود. هدف این مرحله، فراهم آوردن داده‌های اولیه برای تحلیل و بررسی بود. پس از جمع‌آوری اطلاعات، مفاهیم و روش‌های استخراج شده مورد تحلیل دقیق قرار گرفت. این تحلیل شامل شناسایی روش‌های تربیتی و بررسی تأثیر آنها بر رشد فکری، اخلاقی و رفتاری انسان بود. در این مرحله، تلاش شد تا ارتباط آموزه‌های دینی با نیازهای تربیتی انسان تبیین شود. یافته‌های تحقیق، به‌صورت توصیفی و تحلیلی ارائه گردید. در این مرحله، ۲۲ روش تربیتی مؤثر بر ساحت اندیشه از منابع دینی استخراج شد. این روش‌ها شامل مشاهده حسی، تجربه کردن، تفکر و تعقل، استدلال و برهان، جدل، تمثیل، تذکر و یادآوری، واکسینه‌سازی فکری، نقد و بررسی، مقایسه و ترجیح، الگودهی، آموزش عملی و موارد دیگر بود؛ که هرکدام با استناد به آیات و روایات تبیین گردید. در پایان، نتایج حاصل از تحلیل‌ها بررسی و تأثیر این روش‌ها بر تربیت فکری و اخلاقی انسان بیان شد. همچنین، کارایی این روش‌ها در عرصه‌های تبلیغی و تربیتی به‌عنوان ابزارهای مؤثر برای مربیان و مبلغان، مورد تأکید قرار گرفت. این شیوه تحقیق، به محقق امکان داد تا به درکی عمیق‌تر از آموزه‌های اسلامی در حوزه تربیت دست یابد و راهکارهای عملی برای تأثیرگذاری بر اندیشه و رشد فکری انسان ارائه کند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در توسعه روش‌های مؤثر تعلیم و تربیت دینی و اخلاقی به‌کار گرفته شود.

۴. مفاهیم پژوهش

در این گفتار به معنای لغوی و اصطلاحی «روش، تربیت، دین و تعقل» پرداخته و سپس مراد از واژه «تربیت دینی» بیان می‌شود.

معنای لغوی و اصطلاحی «روش»: «روش» در لغت در معانی «راه، طرز، عادت، قاعده و قانون» به‌کار برده شده است (نفیسی، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۶۹). «روش» در اصطلاح، به‌معنای راه و ابزار رسیدن به شناخت و حقیقت است. به عبارت دیگر، روش‌ها به ما کمک می‌کنند تا به کمک عقل یا تجربه، به درک درستی از جهان اطراف خود برسیم. در این متن، منظور از روش، مجموعه قواعد و ابزارهایی است که برای دستیابی به یک هدف خاص به‌کار می‌رود.

معنای لغوی و اصطلاحی «تربیت»: تربیت از ماده «ربو» به‌معنای افزودن و رشد و نمو کردن است (داودی، ۱۳۹۷، ص ۲۲). دهخدا، تربیت را اینگونه تعریف می‌کند: «تربیت» در لغت به‌معنای

«پروراندن، پروردن، آموختن» است (دهخدا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۷۲۰). برخی آورده‌اند که ریشه لغوی تربیت از ماده «ر ب ب» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۰۱). در تعریف اصطلاحی «تربیت» آمده است: «تربیت به معنای رشد و نمو و حرکت هر شیء به سمت هدف و غایتی است که آن شیء کمال خود را بازمی‌یابد. مانند تربیت یک نهال یا یک بوته گل» (بانکی‌پورفرد و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۵۳). در تعریف دیگری نیز بیان شده است: «تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۵۵۱). شهید مطهری تربیت را اینگونه تعریف کرده است: تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و پروردن. لذا، تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان، صادق است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۵۵۱). با استفاده از تعاریف بالا، می‌توان «تربیت» را در اصطلاح اینگونه معنا کرد: «تربیت» عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل لازم جهت شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب برای رسیدن به غایت کمال.

معنای لغوی و اصطلاحی «تعقل»: تعقل در لغت به معنای استفاده از عقل و هوشیاری است؛ یعنی به کار بردن عقل و درک و فهم چیزها. که این واژه و مشتقات آن، ۴۹ بار در قرآن کریم به صورت افعال «عَقَلُوا، يَعْقِلُونَ، تَعْقِلُونَ وَ نَعْقِلُ» آمده‌اند. در اصل، واژه «عقل» در زبان عربی به معنای بستن یا گره زدن است. به طور خاص، این واژه برای عمل بستن پای شتر به کار می‌رفته است تا حیوان نتواند حرکت یا فرار کند. عبارت «پای را دو تا کرده بر بن ران و یا پیش مقدم زین نهادن» به همین عمل اشاره دارد؛ یعنی پای شتر را جمع می‌کنند و با طناب می‌بندند و آن را کنار ران یا جلوی زین قرار می‌دهند. جمله «يُعَقِّلُ الرَّجُلُ» هم به معنای «پای مرد را می‌بندند» است و نمونه‌ای از کاربرد لغوی این واژه است. ابن منظور به کارگیری عقل و استفاده از آن را تعقل نامیده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۲۶). واژه عقل، لفظی عربی است که در زبان فارسی به خرد، دانش، دریافت، دریافت اشیاء از حُسن و قبح، کمال و نقصان، خیر و شر (دهخدا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۷۰) و گاه هوش (دهخدا، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۱۲)، تعبیر شده است. علامه طباطبایی عقل را به معنای بستن و گره زدن (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۷۱) دانسته و نیز در ذیل آیه ۱۶۴ بقره و در تعریف واژه عقل می‌فرماید: کلمه (عقل) که مصدر برای (عقل یعقل) است، به معنای ادراک و فهمیدن چیزی به صورت کامل و تمام است (همان، ج ۱، ص ۶۱۰). همچنین، واژه عقل برگرفته از «عقال» و به معنای طنابی است که به وسیله آن زانوی شتر سرکش را می‌بندند و به این علت به آن عقل می‌گویند که صاحب خویش را از گرفتار شدن در لغزشگاه‌های زندگی بازمی‌دارد و در بیان ابن منظور:

عقل مشخصه‌ای است که به وسیله آن، انسان از سایر حیوانات ممتاز می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۵۹). عقل، بازدارنده زشتی‌ها در قول و فکر (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۷۰)؛ مترادف حجر و نهی (جمع نهیه) و نیز به معنای دیه است. همچنین، لفظ «عقل و معقل» به معنای «ملجأ» یعنی دژ و پناهگاه (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۷۶۹)، نیروی فهم و درک انسانی (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۹) نیز معنا شده و به کار رفته است. شخصی از امام صادق (ع) پرسید: عقل چیست؟ فرمودند: «العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان»، عقل آن خیری است که خدای رحمان بدان پرستش شود و بهشت بر آن حاصل گردد» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۱). یکی از منابع چهارگانه برای کشف احکام، عقل است. عقل می‌تواند با توجه به توان استدلالی و برهانی که دارد، بعضی از احکام را کشف کند و حجت آن، هم از نظر عقل و هم از نظر شرع ثابت است. چنانچه امام علی (ع) می‌فرماید: «لا يُسْتَعَانُ عَلَى الدَّهْرِ إِلَّا بِالْعَقْلِ، وَ لَا عَلَى الْأَدَبِ حَدِيثٌ إِلَّا بِالْبَحْثِ»، «در برابر [مشکلات] روزگار تنها باید از خرد کمک گرفت، و برای دستیابی به ادب، از پژوهش» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۵۹).

۵. روش‌های تأثیرگذاری بر اندیشه از منظر آیات و روایات

طبیعی‌ترین راه تأثیرگذاری بر علایق و عقاید انسان، تأثیر بر اندیشه او است. با تعمیق آگاهی‌ها و تغییر نگرش‌ها، می‌توان بر سایر شخصیت‌ها تأثیر گذاشت. در زمینه تعلیم و تربیت، نیاز است که برنامه‌های ویژه‌ای برای تأثیرگذاری بر این موهبت الهی طراحی شود و از روش‌های متنوع و مناسب استفاده شود؛ تا از طریق اندیشه، شیوه‌ها و رفتارهای رفتاری بهبود یابد.

۵-۱. مشاهده حسی

براساس آیات و روایات، یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر اندیشه مخاطب، مشاهده حسی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «و جعل لكم السمع و الأبصار و الأفئدة لعلكم تشكرون» (نحل، ۷۸)؛ که به گوش، چشم و دل اشاره دارد. همچنین در سورة عنکبوت، خداوند مردم را به گردش در زمین و مشاهده آفرینش دعوت می‌کند: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» (عنکبوت، ۲۰). این آیه به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که در زمین بگردد و با دقت بنگرد که چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرده است. این آیه بر اهمیت استفاده از حس بینایی و تفکر برای شناخت و درک آیات خلقت تأکید دارد و نشان می‌دهد که مشاهده و تأمل در جهان، یکی از ابزارهای شناخت خدا و قدرت اوست. همچنین، این آیه به قدرت خداوند در آفرینش نخستین و نیز آفرینش دوباره در قیامت اشاره دارد و از این طریق امکان معاد را به اثبات می‌رساند. بنابراین، قرآن حس بینایی را به عنوان وسیله‌ای برای تدبر و شناخت حقایق هستی معرفی می‌کند.

و این آیه نمونه‌ای از تأکید بر نقش حس و عقل در فهم معارف دینی است. قرآن بر حس‌های شنوایی و بینایی نشان‌دهنده آن‌ها به عنوان ابزارهای شناخت است. در سوره فصلت می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتَنَا فِي الْأَقَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ» (فصلت، ۵۳)؛ که به نشانه‌های حق در جهان و درون انسان‌ها اشاره می‌کند. فواید این روش عبارتند از:

(۱) **ارتباط مستقیم:** مخاطب از طریق حواس خود با موضوع، ارتباط برقرار کرده و اطلاعات واقعی و خارجی کسب می‌کند، که این امر بر او تأثیر زیادی دارد.

(۲) **قابل فهم‌تر:** این روش، فهم مفاهیم و موضوعات را برای مخاطب آسان‌تر می‌کند.

(۳) **مقابله با مقاومت:** در برخی مواقع، مخاطب به دلایل مختلفی مانند لجبازی یا تعصب، نسبت به پذیرش یک موضوع یا پیام، مقاومت نشان می‌دهد و آن را نمی‌پذیرد. روش ارتباط مستقیم و استفاده از حواس، معمولاً این مقاومت را کاهش می‌دهد؛ زیرا وقتی مخاطب خود به طور ملموس و واقعی با موضوع مواجه شود، کمتر تمایل به مخالفت و مقاومت دارد. به عبارت دیگر، این روش باعث می‌شود که مخاطب کمتر به حالت دفاعی برود و راحت‌تر موضوع را قبول کند، حتی اگر در ابتدا به دلیل لجبازی یا پیش‌فرض‌های ذهنی، نسبت به آن مقاومت داشته باشد. این کاهش مقاومت، پذیرش و فهم بهتر پیام را تسهیل می‌کند.

۲-۵. تجربه کردن

یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر اندیشه، ایجاد تجربه مستقیم برای مخاطب است. هر فرد، با تجربه کردن یک عمل، چه مثبت و چه منفی، شناخت بهتری نسبت به آن پیدا می‌کند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «مَنْ كَثُرَتْ تَجَرِبَتُهُ قَلَّتْ غِرَّتُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۸۰۳۸)، «کسی که تجربه‌اش زیاد باشد، کمتر فریب می‌خورد». او همچنین می‌فرماید: «كَفَى بِالْتَّجَارِبِ مَوْدِبًا» (همان، ح ۷۰۱۶)؛ که نشان از ارزش‌های تجربی در ادبیات آموزشی دارد. امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ، وَ خَيْرُ مَا جَرَّبْتَ مَا وَعَظَكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۶۰)؛ که نشانه عقل، حفظ تجربیات و بهترین تجربیات، آن است که پندآموز باشد. تجربه‌های شخصی و جمعی، چراغ راه زندگی هستند و می‌توانند راهگشای آینده ما باشند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱-۱۱۶).

مزایای این روش:

(۱) **درک بهتر وضعیت موجود:** مخاطب می‌تواند وضعیت فعلی را بهتر درک کند و با آن ارتباط برقرار

کند.

- (۲) آموزش ذهن مخاطب: این روش، ذهن مخاطب را به تجربیات دیگران معطوف می‌کند.
- (۳) تسریع رشد فکری: اگر تجربیات، خوب بیان شوند؛ به رشد و تعالی فکری مخاطب کمک می‌کنند.

۳-۵. به تفکر وادار کردن مخاطب

یکی از روش‌های تربیتی قرآن، دعوت به تأمل و تفکر در جهان و مخلوقات است. به‌عنوان مثال، در قرآن آمده است: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ» (غاشیه، ۱۷-۱۸)، «آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده و به آسمان که چگونه برافراشته شده است؟». همچنین، در آیه دیگری می‌فرماید: «قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (یونس، ۱۰۱)، «بگو بنگرید به آنچه در آسمان‌ها و زمین است». این روش‌ها ابزارهای اساسی در تربیت فکری و هدایت انسان به‌سوی حقیقت هستند و با تأمل در آیات الهی و آموزش‌های معصومین، انسان به اوج کمال فکر می‌رسد. حرکت قوه تعقل و تفکر مخاطب، از مؤثرترین روش‌های تأثیرگذاری بر مخاطب است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (رعد، ۴)، «به‌درستی که این امر نشانه‌هایی است برای کسانی که تعقل می‌کنند». پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «اسْتَرْشِدُوا الْعَقْلَ تَرشِدُوا وَلَا تَعْصُوهُ فَتَنْدُمُوا»، پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «با عقل خود راهنمایی بگیرید، تا به هدایت برسید و از نافرمانی عقل پرهیزید که در غیر این صورت پشیمان خواهید شد». به عبارت دیگر، پیامبر (ص) تأکید می‌کند که استفاده درست و پیروی از عقل انسان را به راه صحیح هدایت می‌کند، اما اگر عقل را نادیده بگیرید یا از آن سرپیچی کنید، نتیجه‌اش پشیمانی خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۶). امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «مَنْ أَكْثَرَ الْفِكْرَ فِيمَا يَعْلَمُ أَتَقَنَّ عِلْمَهُ»، هرکس در دانسته‌های خود زیاد تفکر کند، دانشش را مستحکم می‌سازد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۸۹۱۷).

فواید این روش:

- (۱) این روش، کاملاً با فکر و اندیشه مخاطب همخوانی دارد. مخاطبان غالباً کنجکاو هستند و به دنبال فهم و درک موضوعات مختلف می‌روند و این روش، به کنجکاوای مخاطب سرعت می‌بخشد و آن را تقویت می‌کند.
- (۲) فهم و درک مطالب و موضوعات را بیشتر می‌کند.
- (۳) قدرت حل مسئله را در انسان بالا می‌برد و او را وادار می‌کند که دنبال حل مسئله باشد و گره ذهنی خود را باز کند.

۴-۵. استدلال و برهان

یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر اندیشه مخاطب، استفاده از استدلال و برهان است. خداوند می‌فرماید: «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره، ۱۱۱)، یعنی «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید». همچنین، در آیه «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ» (نحل، ۱۲۵)، به دعوت با حکمت اشاره شده است. خداوند در قرآن برای اثبات توحید، از استدلال استفاده می‌کند. به عنوان مثال، می‌فرماید: «قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَآتَوْا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا» (نحل، ۳-۴)، «اگر با خداوند خدایانی بودند، آنها به‌سوی خداوند عرش راهی می‌شدند». همچنین، در آیه دیگری می‌فرماید: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء، ۲۱-۲۲)، «اگر در آسمان و زمین خدایانی جز خدا بودند، آسمان و زمین تباه می‌شدند».

فواید و آثار:

۱) استدلال و برهان قوی، توان مخاطب را برای انکار و رد کردن موضوع کاهش می‌دهد و باعث می‌شود که مخاطب نتواند به راحتی آن را انکار کند.

۲) اقناع مخاطب: استدلال، مخاطب را اقناع کرده و گره‌های ذهنی او را باز می‌کند.

۳) نمایش حقیقت: استدلال، حقیقت را آنچنان که هست، به مخاطب نشان می‌دهد.

۴) تفکر: استدلال، قدرت تفکر و اندیشه را افزایش داده و مخاطب را وادار به تفکر بیشتر در موضوع مورد بحث می‌کند.

۵-۵. استفاده از جدل

یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر اندیشه، استفاده از جدل است. معنای اصطلاحی جدل به معنای «بر زمین زدن» است که نشان‌دهنده غلبه مجادل بر حریف خود می‌باشد (رك: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۸۹-۱۹۰، ماده «جدل»). در قرآن، نمونه‌هایی از این روش ذکر شده است، از جمله جدل حضرت ابراهیم (ع) پس از شکستن بت‌ها. آن حضرت به مشرکین فرمود: «قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ» (انبیاء، ۶۳)؛ تا نشان دهد که عقایدشان خرافی است. همچنین در سوره یس، خداوند به پیامبر دستور می‌دهد با کسانی که معاد را انکار می‌کنند، مجادله کند و می‌فرماید: «وَصَرْبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِي خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ»، «قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ»، «در پاسخ به وی بگو که زنده‌کننده استخوان مرده همان کسی است که اول به آن حیات بخشیده و زنده‌اش کرده است» (یس، ۷۸-۷۹).

فواید جدل:

- (۱) گستره کاربرد: از روش جدل می‌توان در بررسی و تحلیل انواع موضوعات و مفاهیم مختلف بهره گرفت و محدود به حوزه یا موضوع خاصی نیست.
- (۲) قابل فهم برای عموم: برای مخاطبان قابل فهم است و با آن ارتباط برقرار می‌کنند.
- (۳) قالب‌های مختلف: از قالب‌های مختلف مانند تمثیل و استقراء می‌توان در جدل بهره برد.

۵-۶. استفاده از تمثیل

یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر اندیشه مخاطب، استفاده از تمثیل است. تمثیل در لغت به معنای «تشبیه کردن» (نقیسی، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۹۶۴) و «مَثَل آوردن» است (صفی‌پوری، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۱۷۰). خداوند در قرآن به کرات از تمثیل بهره برده است. می‌فرماید: «أَيُّجِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» (حجرات، ۱۲)، «هیچ‌یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟». همچنین، در سوره توبه، مقام مجاهدان را با مثالی زیبا معرفی می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَهَنَّمَ بِأَنْ لَهُمُ الْجَهَنَّمَ»، «خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را خریداری می‌کند و در برابر این متاع به آنها بهشت می‌دهد».

فواید استفاده از تمثیل:

- (۱) نزدیک کردن مفاهیم: تمثیل، مفاهیم را به ذهن مخاطب نزدیک می‌کند.
- (۲) قابل فهم کردن مطالب: تمثیل، مطالب و مفاهیم را برای همگان قابل فهم و درک می‌کند.
- (۳) کاربردی کردن مفاهیم: مفهوم ذهنی و انتزاعی را کاربردی و عملیاتی می‌کند.
- (۴) جذابیت کلام: تمثیل، کلام و سخن را جذاب و گیرا می‌کند.

۵-۷. تذکر و یادآوری

مرور آیات حاکی از آن است که تذکر و یادآوری در قرآن جایگاه مهمی دارد؛ تا جایی که تنها وظیفه رسول خدا (ص) را تذکر می‌داند: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (غاشیه ۲۱). به پیامبر امر می‌کند که تذکر بدهد؛ زیرا تذکر منفعت دارد: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (ذاریات ۵۵)، «یادآوری کن، همانا یادآوری برای مؤمنان، سودمند است». باید توجه داشت که اصل در تذکر و یادآوری، بیشتر مبتنی بر داشته‌ها و دارایی‌های مخاطب است؛ یعنی آنچه که دارد و آنچه که هست، همان‌ها را برای او یادآوری کنیم و آنچه را که خداوند تبارک و تعالی به او عنایت فرموده است، تذکر دهیم. چنانچه در سوره ضحی خداوند متعال در گفت‌وگوی خود با رسول خدا (ص)، اینگونه تذکر می‌دهد: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى» «وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى»

«وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ» «وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ» «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (ضحی، ۶-۱۱)، «آیا تو طفل یتیمی نبودی که خداوند تو را در پناه خود گرفت و گم‌گشته نبودی که خدا تو را هدایت نمود و تهی دست نبودی که خداوند تو را بی‌نیاز کرد؟ پس یتیم را خوار و ذلیل مدار و نیازمندی را که زبان می‌گشاید از خود مران، و نعمت خدایت را بازگو کن و شکر آن را بر آور». همچنین در سوره فرقان نعمت‌هایی را که به انسان‌ها بخشیده است، یادآوری می‌کند: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِيَاسَا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا» (فرقان، ۴۷-۵۰). در این آیه، خداوند از نعمت شب و روز سخن می‌گوید و بیان می‌دارد که شب، مایه آرامش انسان است.

فوائد تذکر:

- ۱) تذکر و یادآوری، مخاطب را نسبت به خودش خوش‌بین می‌کند.
- ۲) آگاهی‌های مخاطب را نسبت به دارایی‌های خودش بیشتر می‌کند.
- ۳) قدرت تفکر و اندیشه مخاطب را بالا می‌برد.
- ۴) مخاطب را از حالت فراموشی به هوشیاری و آگاهی هدایت می‌کند.
- ۵) انسان را به طرف رشد و تعالی هدایت می‌کند.

۸-۵. واکسینه‌سازی قبل از هجوم شبهه

یکی از روش‌هایی که می‌توان به‌وسیله آن در اندیشه و ذهن مخاطب تأثیر گذاشت، روش واکسینه‌سازی و مقاوم‌سازی است؛ یعنی مخاطب طوری تربیت شود که افکار و اندیشه‌های باطل در او تأثیر نگذارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ»، جوانان را زودتر با حدیث آشنا کنید، پیش از آنکه مرجئه در روی آوردن به‌سوی آنها بر شما سبقت بگیرند» (شیخ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۱۱، ح ۳۸۱). شهید مطهری می‌فرماید: از نظر اسلام، در تمامی احساس‌های اخلاقی انسان، احساس کرامت، شرف، عزت، قدرت و عظمت وجود دارد که این احساسات ریشه در ذات واقعی انسان دارد؛ همان ذات واقعی که خداوند در قرآن می‌فرماید: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر، ۲۹)، «از روح خود در آن دمیدم». بنابراین، عزت و کرامت واقعی انسان ناشی از این روح الهی است. انسان‌های کامل در اسلام، یعنی کسانی که خود را بهتر از دیگران شناخته‌اند، این شرف و کرامت را در ذات خود بیشتر احساس می‌کنند (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۹۰). در واکسینه‌سازی، ابتدا باید پیشگیری کرد؛ یعنی کاری کرد که مخاطب در مقابل حوادث و وقایع، متزلزل و از مسیر اصلی منحرف نشود. گاهی هم می‌شود که مبلّغ برای کسی که بیمار شده است، در نقش طبیب قرار می‌گیرد و مشکل او را تشخیص می‌دهد و او را مداوا می‌کند. مردی خدمت امیرالمؤمنین (ع) رسید، عرض کرد: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي قَدْ حُرِمْتُ الصَّلَاةَ بِاللَّيْلِ، فَقَالَ

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۳۴۲). گاهی خداوند تبارک و تعالی با بیان مشکلات روز قیامت و حالات انسان در این روز، به انسان هشدار می‌دهد تا او به خود آید و رفتار و اعمال خود را اصلاح کند. به‌طور نمونه در سوره عبس می‌فرماید: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ» «وَأُمُّهُ وَأَبْنَاهُ» «وَصَاحِبَتُهُ وَتَبْنِيهِ» «لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ» (عبس، ۳۴-۳۷)، «قیامت روزی است که در آن روز، انسان از برادر خود می‌گریزد و از مادر و پدرش و زن و فرزنداناش. در آن روز، هرکدام از آنها وضعی دارد که او را کاملاً به خود مشغول می‌سازد». با بیان این مطالب، می‌خواهد مخاطب را به تفکر وادارد و او را در اصلاح رفتار و عملکردش یاری رساند.

۹-۵. نقد و بررسی

یکی از روش‌های مؤثر در تأثیرگذاری بر اندیشه، نقد و بررسی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های دیگران است. این روش از آن جهت اهمیت دارد که فرد را وادار می‌کند تا به‌طور دقیق و عمیق به تحلیل و ارزیابی اندیشه‌ها و گفته‌های دیگران بپردازد. اسلام به‌عنوان دین کامل، به پیروان خود تأکید می‌کند نسبت به وضع خود و افراد اطراف خود نقد و بررسی داشته باشند و نقاط ضعف را گوشزد نمایند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي»، محبوب‌ترین برادرانم نزد من، کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه کند» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۴۹۳). خداوند متعال در قرآن شریف، نقد اندیشه‌ها و انتقاد کردن از کردار و رفتارها را با بیان‌های مختلف تأیید کرده است، چنانچه در سوره زمر می‌فرماید: «... فَبَشِّرْ عِبَادَ» «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر، ۱۷۸)، «بندگان مرا بشارت ده. همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان نموده و آنها خردمندانند».

آثار و برکات نقد و بررسی:

- ۱) نقد و بررسی، قدرت مخاطب را در انتخاب بالا می‌برد.
- ۲) قدرت تفکر و اندیشه مخاطب را در مقایسه افکار و اندیشه‌های مختلف بیشتر می‌کند و در نتیجه، به دنبال افکار و اندیشه‌های بهتر می‌رود.
- ۳) مخاطب را در دفاع از اندیشه‌ها و باورهای خود تقویت می‌کند.
- ۴) فکر و اندیشه مخاطبان را تقویت می‌کند.

۱۰-۵. مقایسه و ترجیح

یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر اندیشه، مقایسه و ترجیح است که غرض از آن، روشن کردن معنی و

مفهوم و بیان شباهت‌ها و تفاوت بین دو مفهوم و ترجیح یکی بر دیگری است؛ البته، این ترجیح توسط مخاطب انجام می‌شود. این روش، یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی است که بسیار پرکاربرد بوده و در بسیاری از مواقع، مخصوصاً برای مخاطب کودک و نوجوان، تأثیرگذار است و او را به انتخاب درست هدایت می‌کند. خداوند در قرآن از همین روش استفاده نموده است؛ چنانچه در سوره زمر می‌فرماید: «... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...» (زمر، ۹)، «بگو، آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟». در سوره نحل نیز می‌فرماید: «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۶)، «آنچه نزد شما است، نابود می‌شود و آنچه نزد خدا است، باقی می‌ماند و قطعاً آنها را که صبر پیشه کردند، با بهتر از عمل خودشان پاداش می‌دهیم». همچنین در سوره نساء می‌فرماید: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء، ۹۵)، «افراد باایمانی که بدون عذر و علت از جهاد باز می‌نشینند، با آنان که با مال و جان خود در راه خدا پیکار می‌کنند، یکسان نیستند و خداوند، مجاهدان با مال و جان را بر آنان که از جهاد بازنشستند، برتری داد و خداوند به هریک از این دو دسته، وعده پاداش نیکو داد و مجاهدان را بر بازنشستگان از جهاد با پاداش بزرگ برتری داد».

آثار و برکات این روش:

- (۱) قدرت انتخاب مخاطب را بالا می‌برد.
- (۲) مخاطب با دو طرف موضوع و ویژگی‌های آن آشنا می‌شود.
- (۳) مخاطب در دو طرف موضوع اندیشه می‌کند و یکی را با اختیار، انتخاب می‌کند.
- (۴) قدرت تفکر و اندیشه مخاطب را بالا می‌برد.

۱۱-۵. روش الگویی

یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر اندیشه، معرفی الگو و اسوه، و به عبارت دیگر، الگوپذیری است. «اسوه» در اصل، به معنی حالتی است که انسان به هنگام پیروی از دیگری به خود می‌گیرد و به تعبیر دیگری، همان تأسی کردن و اقتدا نمودن است (عبدالمنعم، ۱۳۷۸، ص ۵۶). به هر حال، اسوه به معانی «پیروی کردن، اقتدا نمودن، سنت و روش» آمده که معادل فارسی آن، «الگو و سرمشق» است (دهخدا، ۱۳۶۶، واژه «اسوه»). خداوند متعال می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (ممتحنه، ۶)، «برای شما در برنامه زندگی آنها اسوه حسنه‌ای

بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند و هرکس سرپیچی کند، به خویشتن ضرر زده است؛ زیرا خداوند، بی‌نیاز و شایسته هرگونه ستایش است». مکارم شیرازی روش الگویی را به‌عنوان یک روش بنیادین در تربیت می‌داند و در این باره می‌نویسد: «همیشه وجود الگوها و سرمشق‌های بزرگ در زندگی انسان‌ها، وسیله مؤثری برای تربیت آنها بوده است، به همین دلیل، پیامبر (ص) و پیشوایان معصوم (ع) مهم‌ترین شاخه هدایت را با عمل خود نشان می‌دادند و لذا، هنگامی که سخن از «سنت» به میان می‌آید، گفته می‌شود: «سنت» عبارت است از قول و فعل و تقریر معصوم (ع). یعنی پیشوایان معصوم (ع)، سخن و عمل و سکوتشان همه حجت و راهنما است و نیز به همین دلیل است که عصمت در تمام پیامبران و امامان (ع) شرط است، تا الگوهایی در همه زمینه‌ها باشند. در این روش از فرد یا افرادی که دارای رفتار مطلوب هستند، به‌عنوان سرمشق و الگو استفاده می‌شود، تا از رفتار آنها پیروی شود. قرآن نیز بر این مسئله مهم صحه‌گذارده و الگوها و سرمشق‌هایی در همه زمینه‌ها برای مؤمنان معرفی می‌کند. ازجمله دو بار از حضرت ابراهیم (ع) و یارانش سخن می‌گوید و در سورة احزاب، شخص پیامبر (ص) را به‌عنوان الگو و اسوه، به مسلمانان معرفی می‌نماید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۴).

آثار و برکات روش الگویی:

- ۱) روش الگو، متناسب با فطرت و غریزه انسانی است.
- ۲) مفاهیم ذهنی را، عینی و خارجی به مخاطب نشان می‌دهد.
- ۳) قدرت تأثیرگذاری بر فکر و اندیشه را بالا می‌برد؛ چون نمونه خارجی را می‌بیند و نوع تعامل مردم را در مورد این الگو با توجه به این ویژگی خاص، کاملاً مشاهده می‌کند.
- ۴) قدرت ماندگاری مفهوم را در ذهن بالا می‌برد. (۵) در همه عرصه‌های زندگی کاربرد دارد.

۱۲-۵. توضیح و تبیین

یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر اندیشه، استفاده از توضیح و تبیین است. گاهی برای انتقال یک مفهوم، باید آن را خوب تبیین کرد و به‌صورت واضح برای مخاطب بیان کرد. خداوند متعال، قرآن را اینگونه تعریف می‌کند: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران، ۱۳۸)، «این (قرآن) برای مردم بیان و برای پرهیزکاران هدایت و موعظه است». همچنین، در سورة نحل آمده است: «... وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ...» (نحل، ۸۹)، «و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است».

آثار و برکات تبیین:

- ۱) فهم و درک مفاهیم را آسان می‌کند.

۲) قدرت تفکر و اندیشه را بالا می‌برد.

۳) مخاطب با شناخت و آگاهی لازم، موضوع را انتخاب می‌کند.

۴) مخاطب را از ابهام و سردرگمی نجات می‌دهد.

۵-۱۳. افزایش آگاهی و دانش

از راه‌های تأثیرگذاری بر اندیشه مخاطب این است که آگاهی‌های لازم به او داده شود و انگیزه کسب دانش را در او ایجاد کنیم. چنانچه امام علی (ع) می‌فرماید: «الْعَقْلُ غَرِيزَةٌ تَزِيدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۹۷). همچنین می‌فرماید: «مُؤَيِّدُ الْعَقْلِ الْعِلْمُ»، تحصیل علم و دانش، مایه تقویت و تأیید عقل آدمی است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۸۷). امام صادق (ع) می‌فرماید: «كَثْرَةُ النَّظَرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ»، مطالعه بسیار و پیگیری در مسائل علمی، باعث شکفتگی عقل و تقویت نیروی فکر و فهم است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۵۲). اگر مخاطب، خصوصاً از دوره کودکی با علوم آشنا نشود، از تفکر منظم که مؤثرترین وسیله درست‌اندیشی است، محروم می‌شود. اولین و بهترین بذری که باید در زمین با استعداد دل نوجوانان افشاندن شود، بذر پربرت علم و دانش است. علم، مایه اساسی سعادت و خوشبختی است. علم، باعث شکفتگی عقل و بروز کمالات انسانی است. علم پایه محکم تمام افتخارات بشری است (فلسفی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۸۶).

آثار و برکات آگاهی‌بخشی:

۱) آگاهی‌بخشی، رغبت مخاطب را برای انجام یک فعل و یا اختیار یک شیء بیشتر می‌کند.

۲) اطلاعات و آگاهی به مخاطب، قدرت و سلطنت می‌دهد.

۳) علم و آگاهی، ارتباط انسان با خداوند را بیشتر می‌کند.

۴) علم و آگاهی، سطح احتیاطی افراد را بالا می‌برد. انسان‌های آگاه بیشتر مراقبت دارند.

۵) انسانی که آگاهی بالایی داشته باشد، خوب فکر می‌کند و درست می‌اندیشد.

۶) فهم و درک مخاطب بالا می‌رود.

۵-۱۴. مواجهه با وجدان و درگیر کردن فرد با وجدان خویش

وجدان، همان نفس لوامه است که خداوند متعال در قرآن کریم به آن اشاره نموده است. «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ» (قیامت، ۲). گاهی انسان از طریق نفس لوامه در مسند قضاوت می‌نشیند و اعمال و رفتار خود را بررسی می‌کند و از این طریق، اعمال خود را به چالش می‌کشد. در سوره نحل پس از تسبیح و تحمید خداوند و توصیف کارهای او بیان می‌دارد: «أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (نحل، ۱۷). با

این سؤال، مخاطب را به چالش می‌کشد و وجدان او را بیدار می‌کند تا شاید به خود آید. همچنین در سوره مؤمنون در پاسخ به کسانی که به زنده شدن پس از مرگ اعتقاد ندارند و به پیروی از پدران خود آن را انکار می‌کنند، به همین صورت عمل می‌کند. با سؤالات متعدد، مخاطب را با وجدان خود درگیر می‌کند. «قُلْ لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» «سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (مؤمنون، ۸۴-۸۵). شهید مطهری: همین که می‌بینیم در قرآن از نفس لوامه و مطالب دیگری از قبیل «فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس، ۸)، «و به او شرّ و خیر او را الهام کرد»، یاد شده است، نشان می‌دهد که از نظر قرآن نسبت به کار بد و خوب، اصالتی در انسان هست؛ یعنی وقتی انسان کار بدی انجام می‌دهد، از درون خود را ملامت می‌کند و معلوم می‌شود که چیزی هست که فرمان به خوبی و ترک بدی می‌دهد و به سبب انجام فعل بد، انسان را مورد ملامت قرار می‌دهد و در مقابل، وقتی که انسان کار خوب انجام می‌دهد، راضی می‌شود و به نوعی او را تحسین می‌کند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۸۷).

۱۵-۵. بیان تاریخ و سرگذشت پیشینیان

یکی از راه‌های تأثیرگذاری بر اندیشه مخاطب، بیان سرگذشت پیشینیان است. چنانکه خداوند می‌فرماید: «... فَأَقْصُصْ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف، ۱۷۶): «قصه‌ها را بازگو کن شاید آنها بیندیشند». قصه‌ها می‌توانند در رشد و کمال ذهن انسان‌ها مؤثر باشند. با توجه به اینکه قصه‌ها به نوعی، زندگی اقوام گذشته را بیان می‌کند، می‌تواند در فکر و ذهن انسان‌های غافل تأثیرگذار باشد. با توجه به آثار فراوان قصه در تفکر و اندیشه مخاطب، خداوند متعال داستان‌های مختلفی را در قرآن بیان نموده است و به مخاطب هشدار می‌دهد با شنیدن این قصه‌ها به خداوند ایمان بیاورد. چنانچه در سوره قصص می‌فرماید: «تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (قصص ۳)، «[ای پیامبر،] بخشی از خبر [با اهمیت] موسی و فرعون را به حق بر تو تلاوت می‌کنیم، برای [هدایت] مردمی که [به سخن ما] ایمان دارند». همچنین در سوره آل عمران می‌فرماید: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران، ۵۹)، «[در واقع، مثل عیسی نزد خدا همچون مثل [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید؛ سپس بدو گفت: «باش»؛ پس وجود یافت».

آثار قصه‌گویی:

۱) مخاطب از طریق داستان با سبک زندگی و آثار آن آشنا می‌شود.

۲) داستان، به نوعی فکر و باور مخاطب را جهت می‌دهد.

۳) قدرت یادگیری را در مخاطب بالا می‌برد.

۴) مخاطب را به تفکر و اندیشیدن هدایت می‌کند.

(۵) قدرت بیان مخاطب را بالا می‌برد.

(۶) عشق و علاقه مخاطب را تقویت می‌کند.

۵-۱۶. همراهی با مخاطب در عقیده و باور با دلایل متقن

یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر افکار مخاطب، همراهی و همگامی با او در باور مورد نظر است و بعد رد کردن آن؛ تا مخاطب به تفکر و اندیشه فرو رود. خداوند متعال در ماجرای همراهی حضرت ابراهیم (ع) با مشرکین می‌فرماید: «فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ لَمَّا قَالَ لَنِ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام، ۷۶-۷۹). حضرت ابراهیم (ع) این سخن: «هذا ربِّي» را به‌هنگام گفت‌وگو با ستاره‌پرستان و خورشیدپرستان بیان کرد. حضرت ابراهیم که لجاجت اقوام نادان را در راه و رسم غلط خود در بابل آزموده بود، برای اینکه نظر عبادت‌کنندگان خورشید و ماه و ستارگان را به‌سوی خود جلب کند، نخست با آنها هم‌صدا شد و مطابق عقیده آنان ستاره و ماه و خورشید را به‌عنوان پروردگار معرفی کرد، بعد با ارائه دلایلی مبنی بر اینکه پدیده‌ها سزاوار خدایی نیستند، کسی را خدای خود دانست که فناپذیر بوده و آفریننده آسمان‌ها و زمین می‌باشد. از این طریق، بخشی از مخاطبان را با خود همراه کرد.

۵-۱۷. ایجاد سؤال در ذهن مخاطب

یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر فکر و اندیشه مخاطب، ایجاد سؤال در ذهن او است؛ یعنی، مفهومی طوری ارائه شود که در ذهن مخاطب سؤال ایجاد شود. با ایجاد سؤال در ذهن مخاطب، می‌توان او را به تفکر واداشت، انسانی که به تفکر و اندیشیدن مشغول شود، حق و باطل را خواهد شناخت. خداوند متعال در سوره واقعه، سؤال‌های متعددی را مطرح می‌کند: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ» «أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ» (واقعه، ۵۸-۵۹)، «آیا آنچه را (در رحم) می‌ریزید، دیده‌اید؟ آیا شما آن را (به صورت انسان) می‌آفرینید یا ما آفریننده‌ایم؟» «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ» (واقعه، ۶۳)، «أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ» (واقعه، ۶۸-۶۹)، «آیا آبی که می‌نوشید را دیده‌اید؟ آیا شما آن را از ابر فرو می‌فرستید یا ما فرود آورنده آن هستیم؟»، «أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ» «أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ» (واقعه، ۷۱-۷۲)، «آیا آتشی که برمی‌فروزید، ملاحظه کرده‌اید؟ آیا شما درخت آن را پدید آوردید یا ما پدیدآورنده آنیم؟» یا در سوره کهف می‌فرماید: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا» (کهف، ۱۰۳)، «بگو آیا شما را از زیان‌کارترین مردم آگاه کنیم؟»

۵-۱۸. آموزش عملی

یکی از روش‌های مهم تأثیرگذاری بر فکر و اندیشه، آموزش عملی یک مفهوم دینی است. بسیاری از مفاهیم دینی، به‌خاطر داشتن پیچیدگی‌های خاص نیاز به آموزش دارند. از طریق آموزش، علم و آگاهی مخاطب بالا می‌رود. با آموزش‌های مستمر و هنرمندانه، دانایی مخاطب بیشتر می‌شود. حماد بن عدی می‌گوید: روزی امام صادق (ع) به من فرمود: برخیز و نماز بگذار. برخاستم و در حضور امام، رو به قبله ایستادم و شروع به نماز کردم و رکوع و سجود به‌جای آوردم. امام فرمود: ای حماد، خوب نماز نمی‌خوانی. گفتم فدایت شوم پس نماز را به من بیاموز. آنگاه امام رو به قبله ایستاد و دو رکعت نماز خواند. سپس فرمود: ای حماد، اینگونه نماز بگذار (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۱۱-۳۱۲، ح ۸).
فواید آموزش عملی:

- (۱) میزان یادگیری مخاطب را بالا می‌برد.
- (۲) حواس مختلف مخاطب، درگیر فهم و درک مفهوم می‌شود.
- (۳) به مخاطب کمک می‌کند حقایق و مفاهیم عملی را بهتر درک کند.
- (۴) علاقه مخاطب را نسبت به موضوع بیشتر می‌کند.

۵-۱۹. استفاده از زبان و ادبیات مشترک

یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر اندیشه مخاطب، استفاده از زبان و ادبیات مشترک است. باید زبان و ادبیات مخاطبی را که به‌دنبال مقاعد ساختن او هستیم، بشناسیم. زبان مشترک، گاهی زبان صحبت کردن و گاهی ادبیات مناسب آن مخاطب است. پنددهی و انتقال پیام باید به زبان مردم باشد. همانطور که خداوند در قرآن می‌فرماید: هر پیامبری را به زبان قومش فرستادیم: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ...» (ابراهیم، ۴)، «و ما هیچ پیامبری را به‌جز زبان قومش نفرستادیم». باید لسان قوم و ادبیات قوم را شناخت و براساس آن با مخاطب سخن گفت. پیام‌دهنده باید با هرکس فراخور حالش سخن بگوید و ظرفیت و استعدادها را در نظر بگیرد. چنانچه رسول‌الله (ص) فرمود: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۸۵).

۵-۲۰. استفاده از بار احساسی مناسب در کلام

یکی دیگر از روش‌های تأثیرگذاری بر اندیشه و ذهن مخاطب، استفاده از بار احساسی مناسب در کلمات و محتوا است. مخاطب، بیشتر اوقات از روی احساسات تصمیم می‌گیرد، ولی همان تصمیم احساسی خود را از طریق استدلال و برهان توجیه می‌کند؛ یعنی برای رفتار خارجی خود که ریشه در

احساسات دارد، توجیه علمی درست می‌کند. از این‌رو، ضرورت دارد مربی در هنگام گفت‌وگو با مخاطب و حتی در بیان دلایل و براهین، به کلمات و جملات، بار احساسی و عاطفی اضافه کند و از عواطف و احساسات بهره ببرد. امیرالمؤمنین (ع) در توصیه فرزندش به نیکی‌ها و خوبی‌ها و مراقبت‌های مورد نیاز در زندگی از بار احساسی در جملات هم استفاده نموده است در آغاز نامه‌اش چنان احساسی شروع می‌کند که هر فرزندی با خواندن آن عواطف و احساساتش فوراً تحریک می‌شود و به دنبال پیگیری و حتی اوامر پدر می‌شتابد. «مِنْ الْوَالِدِ الْفَانِ، الْمُقَرَّرِ لِلزَّمانِ، الْمُدْبِرِ الْعُمَرِ، الْمُسْتَسْلِمِ [لِلدَّهْرِ الدَّامِ] لِلدُّنْيَا، السَّائِكِ مَسَاكِنَ الْمَوْتِ وَ الظَّاعِنِ عَنْهَا غَدًا، إِلَى الْمَوْلُودِ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ نامه امام علی (ع) به امام حسن، بخش اول: نامه‌ای به فرزند)، «از پدری در آستانه فنا و معترف به گذشت زمان، که عمرش روی در رفتن دارد و تسلیم گردش روزگار شده، نکوهش‌کننده جهان، جای‌گیرنده در سرای مردگان، که فردا از آنجا رخت برمی‌بندد، به فرزند خود که آرزومند چیزی است که به دست نیاید». در شروع نامه، چنان احساسی وارد می‌شود که عواطف هر فرزندی با شنیدن آن، متأثر می‌شود، «مِنْ الْوَالِدِ الْفَانِ...» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ «از پدر فانی»، پدری که خواهد رفت و به تعبیری چندصباحی مهمان شما است. همچنین در ادامه، در انتقال پیام‌های خاص، خطاب خود را با «فرزندم و پسر» (یا بُنَيَّ) آغاز می‌کند. در سورة لقمان نیز که خداوند به نصیحت‌های لقمان نسبت به فرزندش اشاره می‌فرماید، کاملاً بار احساسی در پیام‌های لقمان مشاهده می‌شود. چنانچه خداوند متعال در سورة لقمان به آن اشاره نموده است؛ حضرت لقمان وقتی می‌خواهد فرزندش را به اقامه نماز امر کند، ابتدا بار احساسی کلماتش را بالا می‌برد، با این کلمه آغاز می‌کند: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ» (لقمان، ۱۷)؛ «ای فرزند عزیزم، نماز را به پا دار».

۲۱-۵. استفاده از مقبولیت و تأیید اجتماعی

گاهی برای متقاعد ساختن مخاطب و تأثیر در اندیشه و فکر او، باید از تأییدات اجتماعی استفاده کرد؛ یعنی گاهی باید اقبال عمومی و یا جمعی را که در مورد پیامی و یا موضوعی به‌دست آمده، برای مخاطب بیان کرد تا از این طریق، او را هم متقاعد ساخت. گاه ممکن است پیش بیاید که شخصی به اتاقی وارد شود که دور تا دور آن، مبل گذاشته شده باشد؛ اما آدم‌های حاضر در اتاق روی زمین نشسته باشند. همین امر سبب می‌شود که او نیز روی زمین بنشیند. چون احتمال می‌دهد دلیلی دارد که بقیه روی مبل نشسته‌اند. درواقع، اینکه جمعی به‌جای اینکه روی مبل بنشینند، روی زمین نشسته‌اند؛ او را وادار می‌کند که روی زمین بنشیند و چون جمعی این کار را انجام داده‌اند، او نیز همان کار را انجام می‌دهد. در زمینه انتقال مفاهیم دینی به مخاطب، به دو صورت می‌توان از روش تأیید اجتماعی استفاده کرد:

اول: استفاده از روش وجدان و فطرت. وقتی که جمعی به کاری مشغول می‌شوند و یا آن را قبول دارند؛ تذکر و بیان آن توسط مربی و مبلغ، مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در او برای انجام این فعل انگیزه ایجاد می‌کند؛ چون طبع و فطرت انسان، ناخودآگاه امور جمعی را تأیید می‌کند، خصوصاً در مواردی که آن امر متناسب با ذائقه باشد.

دوم: استفاده از روش همراهسازی اجتماعی. به عنوان مثال، حضور در اجتماعات دینی مردم مانند نماز جمعه و هیئت‌های عزاداری و نمازهای جماعت و

گاهی برای تأثیر در اندیشه مخاطب و ایجاد باور در او، باید دست او را گرفت و به جمعی که به این فعل مشغول هستند (خوب و یا بد) و اثرات آن را دیده‌اند، برد؛ تا آن را از نزدیک مشاهده کند و در صورت خوب بودن، لذت ببرد و اعتقاد و باورش در انجام آن فعل تقویت شود و اگر منفی باشد، بیزار شود و به دنبال انجام آن فعل نرود.

۵-۲۲. ارائه پیام با نظری قاطع

یکی از روش‌های تأثیرگذاری بر اندیشه مخاطبان و متقاعد ساختن آنها، ارائه پیام با نظری قاطع است. اتقان و استحکام در بیان، مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته، کسی که درصدد متقاعد ساختن دیگران است، ابتدا باید خود را متقاعد سازد. اگر شخصی بخواهد مخاطب، اعتقادات و باورهای او را باور کند، بپذیرد و به آن احترام بگذارد؛ باید اندیشه‌ها و باورهای خود را قاطعانه قبول داشته باشد و به صورت قاطعانه بیان کند. تردید و دودلی در بیان مطالب و پیام، مخاطب را با تردید روبه‌رو کرده و امکان پذیرش حرف را بسیار کم می‌کند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ»، «خدا رحمت کند کسی را که کار مرا محکم و زیبا و خوب انجام بدهد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۶۳). یکی از ابزارهای مهم و اساسی در پیشبرد اهداف انبیاء الهی، قاطعیت در کلام بود. خداوند در قرآن کریم به بیان قاطع حضرت ابراهیم (ع) با مردم زمان خودش اشاره می‌کند و می‌فرماید: «أَفَ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انبیاء، ۶۷). در سوره کافرون از برخورد قاطع پیامبر (ص) با مشرکین سخن می‌گوید، که قاطعانه به آنان خطاب می‌کند: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» «لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ» (کافرون، ۱-۲).

آثار بیان قاطع:

(۱) مخاطب را از شک و تردید بیرون می‌آورد.

(۲) وقتی مخاطب قاطعیت را در کلام مربی می‌بیند؛ فکر و اندیشه‌اش به کار می‌افتد و برای پذیرش مطلب آمادگی پیدا می‌کند و این، حداقل اثر بیان قاطع است.

۶. نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر با بررسی آیات و روایات اسلامی، راهکارهای تربیتی تأثیرگذار بر اندیشه انسان را تبیین و تحلیل کرده است. هدف اصلی این پژوهش، ارائه روش‌هایی کاربردی برای رشد فکری، اخلاقی و رفتاری انسان براساس منابع دینی بوده است. با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی، ۲۲ روش تربیتی از قرآن کریم و روایات معصومین (ع) استخراج شده است که هرکدام ناظر به جنبه‌ای از اندیشه و تأثیرگذاری بر آن هستند. این روش‌ها، مانند مشاهده حسی، تجربه کردن، تفکر و تعقل، استدلال و برهان، تمثیل، تذکر و یادآوری، واکسینه‌سازی فکری، نقد و بررسی، مقایسه و ترجیح، الگودهی و آموزش عملی، بر پایه ویژگی‌های فطری و عقلانی انسان طراحی شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این شیوه‌ها، نه تنها موجب هدایت اندیشه و شکوفایی استعدادهای انسانی می‌شوند؛ بلکه قدرت انتخاب آگاهانه را نیز در افراد تقویت می‌کنند. به‌کارگیری این روش‌ها در عرصه‌های تربیتی و تبلیغی، ابزار مفیدی برای مربیان، معلمان و مبلغان دینی فراهم می‌آورد. این روش‌ها با تأکید بر عقلانیت، فطرت، وجدان و تجربه انسانی، زمینه‌ساز رشد و تعالی فکری و معنوی انسان‌ها هستند. در نهایت، توجه به این راهکارها می‌تواند به تقویت و تثبیت باورهای دینی و اخلاقی در افراد و جوامع کمک شایانی کند و مسیری روشن برای تربیت نسل‌های آگاه، متفکر و مسئول فراهم آورد.

— منابع —

قرآن کریم

نهج البلاغة

- ابن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. بی نا، ج ۴.
- ابن منظور (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بی نا، ج ۱۱، ۹.
- بانکی پور فرد، امیر حسین؛ قماشچی، احمد (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای. تربیت اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: انتشارات کتاب های اسلامی، چاپ دوم.
- جوهری، أبونصر (۱۴۰۷ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية. بیروت: دارالعلم للملایین، ج ۵.
- داودی، محمد (۱۳۹۷). تربیت دینی. زیر نظر علیرضا اعرافی. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۶). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران، ج ۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار الشامیة.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیة، ج ۸، چاپ چهارم.
- صفی پوری، عبدالرحیم (۱۳۷۷). منتهی الارب. تهران: انتشارات اسلامیة، ج ۴.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ج ۱-۲.
- عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن (۱۳۷۸). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقہیة. قاهره: دار الفضیلة.
- فلسفی، محمد تقی (۱۳۹۰). جوان از نظر عقل و احساسات. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۱.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ ششم، ج ۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۴ق). اصول کافی. دارالتعارف للمطبوعات، ج ۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). اصول کافی. ترجمه کمره ای. قم: انتشارات عروج، چاپ سوم، ج ۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامیة). تهران: انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ج ۳.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ط - بیروت). بیروت: مؤسسه المحبة، چاپ دوم، ج ۷۸، ۱.
- محمدری شهری، محمد (۱۳۸۹). میزان الحکمة. مترجم حمیدرضا شیخی. قم: سازمان چاپ و نشر، ج ۶.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۱). پند جاوید: شرح وصیت امیرالمؤمنین علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع). نگارش: علی زینتی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). فلسفه اخلاق. تهران: صدرا، چاپ یازدهم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار. صدرا، ج ۲۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۲۴.
- نفیسی، علی اکبر (۱۳۵۵). فرهنگ نفیسی. تهران: بی نا، ج ۱-۲.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: انتشارات مؤسسه آل البيت، ج ۲.